

# نقش و کارکرد تبلیغ در سالم‌سازی جامعه

عید محمد رحمانی

۱۱۷



سال چهارم / شماره ۵ / پاییز و زمستان ۱۳۸۹

## مقدمه

انسان در این دنیا بیشتر با پدیده‌های مادی سروکار دارد و هنگامی که دوران کودکی را پشت سر می‌گذارد، بیشتر مجذوب زیبایی‌های این دنیا می‌شود.

دنیا آن‌چنان خود را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد و خودنمایی می‌کند که انسان را فریفته خود می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که بعضی از افراد با مال و ثروت دنیا آن‌چنان مشغول و در دام آرزوهای دور و دراز و وسوسه‌های حیوانی گرفتار می‌شوند که مبدأ و معاد، و بهشت و جهنم را فراموش می‌کنند.

حال اگر این گونه انسان‌ها از این سرنوشت شوم رهایی یابند، باید آنان را به معارف الهی آگاه و با تبلیغ درست، جان و دل تشنه آنان را از معارف اسلامی سیراب نمود.

اگر تبلیغ دین درست و به موقع انجام گیرد و از روی اعتقاد و خیرخواهی و شفقت به نرمی بیان شود، غبارهای غفلت را از دل می‌زداید، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، و هرگونه قساوت را از دل زدوده، صفا و جلا، و نرمی و رقت را جایگزین آن می‌سازد؛ چنانچه امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: احی قلبک بالموعظة؛ دلت را همواره با موعظه زنده نگه دار؛ چون موعظه صیقل جان و زنده کننده قلب است؛ «الموعظة صقال

### النفوس و جلاء القلوب»<sup>۱</sup>.

لذا وقتی یاران و اصحاب پیامبران و امامان علیهم السلام احساس کدورت و تاریکی در دل و درون خویش می نمودند، به محضر آن بزرگواران شرفیاب می شدند و تقاضای ارشاد و موعظه می کردند.<sup>۲</sup>

بیشتر انسان‌ها بر اثر اشتغالات مادی که همه بدان مبتلا هستند، گرفتار غفلت و بی توجهی به معنویات و تکالیف شرعی می شوند، و این غفلت و خود خواهی باعث می شود که بسیاری از واقعیات بر انسان پوشیده بماند. حال بر مبلغان دین است که از راه خیرخواهی، این گونه انسان‌ها را تبلیغ و موعظه نموده و حقایق را برای آنها بیان نمایند؛ تا آنان دچار کژروی نگردند. چون به تجربه ثابت شده است که استماع و شنیدن موعظه، تنبّه و بیداری از خواب غفلت را در پی دارد؛ افزون بر اینکه در شنیدن اثری هست، که در دانستن نیست؛ زیرا انسان به گونه‌ای سرشته شده است که از ارشاد خیرخواهانه تأثیر می پذیرد. چه بسا افرادی سروکارشان با قرآن و حدیث است، ولی همان آیات و احادیث را وقتی از دیگران می شنوند، اثر خاصی بر روح و قلبشان می گذارد.

برای اینکه تبلیغ بیشتر مؤثر واقع گردد، لازم است که مبلغ نخست مؤلفه‌هایی را در نظر بگیرد، سپس حقایق را در قالب موعظه و تبلیغ، بیان نماید. مبلغان و پیام‌رسانان پیام الهی بار سنگین و پر مسئولیت انبیای الهی را بر دوش می کشند و در ظرف اندیشه خویش، جز هدایت جامعه و دعوت به خوبی‌ها و نیل به سعادت و کمال، هدف دیگری ندارند. این از آن روست که آنان ادامه دهنده راه انبیا و امامان بر حق‌اند، و کسانی که تشنه موعظه و تبلیغ دین و اندرزه‌های جامع و کامل هستند، به وسیله این تبلیغ‌کنندگان و هدایتگران الهی، از رهنمودهای قرآن که مسیر سعادت بشر را از هنگام تولد تا موقع مرگ در دنیا و آخرت ترسیم می کنند، بهره‌مند می گردند.

بنابراین، به نظر می‌رسد برای کارکرد و تأثیر بیشتر تبلیغ احکام الهی، توجه مبلغان

۱. عبدالواحد آمدی، غرالحکم، حدیث ۱۳۵۴.

۲. سید کاظم ارفع، اخلاق در قرآن، ص ۱۵.

دین به چند مطلب ضروری است:

## الف. بهره‌گیری از رسانه‌ها

توجه مبلغان دین به شرایط و مقتضیات زمان، یک امر ضروری است. جهان‌خواران، امروز از مهم‌ترین ابزار تبلیغی بهره می‌برند. و افکار مسموم و آلوده خویش را در روح و جان انسان‌ها تزریق می‌کنند.

به عنوان نمونه، مسیحیت کنونی با اینکه کاملاً پوچ و تهی است و به دلیل اینکه به لحاظ منطق، فاقد قدرت است، توانایی پاسخگویی به شبهات و اشکالات وارد بر خود را ندارد؛ ولی با این وجود، توانسته است حضور خود را نزد افکار عمومی و مجامع جهانی حفظ کرده و به حیات خود ادامه دهد. بالاتر از آن، توانسته است با استفاده از ابزارهای پیشرفته رسانه‌ای مانند اینترنت، ماهواره، و سایر رسانه‌ها، مسلمانان به‌ویژه جوانان و نوجوانان را منحرف سازد.

بنابراین، بر مبلغان دین است که به این امر مهم توجهی بیشتر نمایند و با آگاهی دادن به انسان‌ها، به خصوص جوانان و نوجوانان، تبلیغات مسموم آنها را بی اثر سازند و دست جامعه‌ای را که در معرض نابودی و گمراهی قرار دارد، با تبلیغ پیام الهی، به ریسمان هدایت وصل نمایند.

بدون شک اگر مبلغان، کوچک‌ترین غفلتی نمایند و به تبلیغ و ترویج احکام و اصول اسلامی نپردازند، پیروان مکتب اسلام طعمه دشمنان قرار گرفته، و دشمنان ریشه ایمان و خداپرستی را از دل‌های آنان برمی‌کنند و افکار مسموم و زهرآگین خویش را در روح و جان انسان‌ها جایگزین می‌کنند.

در تبلیغ باید از ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ها نهایت استفاده را برد و خود را از دستاوردهای علمی که به نحوی به پیشرفت تبلیغ مدد می‌رساند، بی نصیب نگذاشت؛ زیرا به تعبیر شهید مطهری رحمته‌الله وسایل هدایت هر زمان مخصوص خود آن زمان است، به همین خاطر امروز نمی‌توان برای تبلیغ تنها از راه‌ها و ابزارهای کهنه شده بهره برد.<sup>۱</sup> بسیاری از مکاتب و ادیان بوده‌اند که امروزه فقط یک اسم و رسمی از آنها باقی

۱. ن.ک: محسن خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۱۲۹.

مانده است و در جامعه بشری و صحنه‌های افکار و عقاید جهانی، جای آنها خالی است و هیچ وجود عینی و خارجی ندارند. می‌توان مدعی شد که علت زوال آنها نداشتن برنامه‌های صحیح تبلیغی بوده است؛ زیرا تبلیغات نقش قلب را در حیات هر مکتب و دین ایفا می‌کند. همان‌گونه که قلب انسان، مرکز و محور اصلی حیات انسان است و مسئولیت رساندن خون به تمام مویرگ‌ها و اجزای بدن را بر عهده دارد؛ تا انسان به صورت موجودی قوی و پرتحرک به حیات خود ادامه دهد، وجود عنصر تبلیغ در هدایت انسان نقش همان قلب را دارد. انجام وظیفه مقدس تبلیغ و نشر فرهنگ انسان‌ساز اسلام، باعث حیات معنوی جامعه بشری شده و آنان را از خطر انحراف، افسردگی و غفلت‌زدگی نجات داده و بنیه معنوی آنان را تقویت می‌کند.

بنابراین، توجه مبلغان دین برای بهره‌گیری از رسانه‌های به روز تبلیغی کاملاً ضروری است؛ تا با بهره‌گیری از آنها، از سلاح تأثیرگذار تبلیغ دین استفاده نموده و جامعه بشری را از منجلاب گمراهی نجات و به ساحل هدایت و نور الهی برسانند و خویش را شامل مصداق کلام خداوند که می‌فرماید: ﴿مَنْ أَحْيَاهَا فَكَانَ مِمَّا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾<sup>۱</sup> نمایند.

### ب. ایجاد زمینه برای تبلیغ

از آن رو که تبلیغ همانند بذری است که در زمین ذهن و روح مخاطب افشانده شده و ذهن و روح مخاطب را برای پذیرش حق آماده می‌سازد، لازم است پایه‌های روحی افراد را محکم نماید؛ چون اعتقاد به توحید و روز جزا زیر بنای حرکت تبلیغی است و اگر زمینه مناسب برای تبلیغ آماده نشود، زحمات مبلغان دین بی‌اثر خواهد بود.

محل قابل و آنگه نصیحت قائل

چو گوش و هوش نباشد، چه سود حسن مقال

نصیحت همه عالم چو باد در قفس است

به گوش مردم نادان چو آب در غربال<sup>۲</sup>

۱. مائده (۵) آیه ۳۲.

۲. سید کاظم ارفع، پیشین، ص ۱۶.

آنچه مسلم است اینکه جوّ و محیط اجتماع، در ساختن شخصیت انسان اثر دارد، و این جوّ و محیط اگر با دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها همراه باشد، ممکن است فساد و تباهی در آن راه یابد؛ به طوری که فضیلت و رذیلت با هم آمیخته و اشتباه شود، و چه بسا انسان‌ها تحت تأثیر محیط آلوده قرار گیرند.

چنانچه دانشمندان می‌گویند: ما در محیط اجتماعی خود، مانند سلول‌ها در داخل بدن غوطه‌وریم و همچون سلول نمی‌توانیم از نفوذ شرایط محیط در امان بمانیم. کالبد آدمی به حصار پوست و مخاط روده مجهز است، ولی مرزهای شعور، به‌عکس همیشه گشوده است و روان آدمی در معرض تهاجم دائمی همه قسم عوامل فکری و معنوی محیط اجتماعی قرار دارد، بر حسب طبیعت آنها، سالم یا ناهنجار بار می‌آید.<sup>۱</sup>

بنابراین، انسان تحت تأثیر جوّ و محیط قرار می‌گیرد و آگاهانه و یا ناآگاهانه از آداب و رسوم جامعه خویش پیروی می‌کند؛ از این روست که مبلّغان دین و حامیان مکتب الهی و مربیان دلسوز، باید رسوم خرافی و سنن نادرست را از بین برده و فضای سالمی را در جامعه بشری به‌وجود آورده و زمینه تبلیغ احکام الهی را فراهم سازند. به عنوان مثال، در تربیت کودک باید توجه داشته باشیم که او مانند گیاهی نوری است که برای رشد و نموّ خود نیازمند حمایت و مراقبت است، تا بتواند در برابر خطرهایی که او را تهدید می‌کند، مبارزه نماید.

اساساً نزول تدریجی قرآن کریم، طی بیست و سه سال، بیانگر توجه و اهتمام دعوت اسلام به مخاطب شناسی و به وجود آوردن زمینه قبول و پذیرش آن است؛ مثل آیات مربوط به شراب و قمار که با توجه به زمینه سازی روحی مخاطب آغاز می‌شود، و در مرحله نخست از زیان‌ها و منافع آن سخن به میان می‌آید و ضرر آن را بیش از منافع آن قلمداد می‌کند؛ ﴿یسئلونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما﴾<sup>۲</sup>.

پس از آنکه بیان نمود ضررهای آن بیش از منافع آن است، با زمینه‌سازی می‌فرماید:

۱. محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی، بزرگسالان و جوان، ص ۱۳.

۲. بقره (۲) آیه ۲۱۹.

از آن اجتناب کنید، و با لحن شدید تر عنوان می‌کند که شراب و قمار عمل شیطان است و باید از آن اجتناب نمود؛ ﴿یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه﴾<sup>۱</sup>.

و بالاخره پس از آماده سازی زمینه‌های لازم در روح مکلفین، به بیان حرمت فواحش، اثم و بغی که یکی از مصادق آنها شراب و قمار است پرداخته و این آیه نازل می‌شود: ﴿قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن والاثم و البغی﴾<sup>۲</sup>.

دانشمندان رشته تبلیغ در عصر کنونی معتقدند: عالی‌ترین صورت تبلیغ آن است که بعد فرهنگی و ارشادی داشته باشد و مخاطبان را به واقعیت امر و شناخت و آگاهی از محتوای پیام و تأثیر آن در سرنوشت انسان، توجه دهد و این شیوه تبلیغ را در تبلیغات کنونی جهان کمتر می‌توان دید، اما تبلیغ در اسلام بر این پایه نهاده شده است.<sup>۳</sup>

قرآن کریم هم به این امر توجه می‌کند که: زمینه را حتی برای کافران و کژ اندیشان فراهم آورید، تا سخن حق را بشنوند و در آن بیندیشند و از سر تفکر و تأمل ایمان آورند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر آیه مبارکه ﴿وان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم ابغیه ذلک مأمنه ذالک بانهم قوم لا یعلمون﴾<sup>۴</sup> می‌فرماید: هرگاه فرد مشرک برای شناخت و شنیدن کلام خدا به شما پناه آورد، پناهش دهید و او را به مکان امن هدایت کنید. این دلیل است بر عنایت کامل، به گشودن باب هدایت بر مردم و پاسداری از آزادی انسان و چشم‌پوشی از تحکم و تحمیل؛ تا در نتیجه، هر کس رو به هلاکت می‌رود، با دلیل روشن باشد، و هر کس به راه هدایت می‌آید، با دلیل و برهان باشد.<sup>۵</sup>

پس لازم است برای تأثیر بیشتر تبلیغ، مبلغان و پیام‌رسانان احکام الهی، فضای مناسبی را برای پیاده کردن ارزش‌های مقدس دین به‌وجود آورند، تا راه حق برای مردم

۱. مائده (۵) آیه ۹۰.

۲. اعراف (۷) آیه ۳۳.

۳. محمد تقی رهبر، پژوهش در تبلیغ، ص ۲۵۳.

۴. توبه (۹) آیه ۶.

۵. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۹، ص ۱۵۴.

هموار شود و دستان آلوده هواپرستان و کژ اندیشان را از میان جامعه کوتاه نمایند و مردم را از دریای توفنده و خروشنده گرفتاری‌ها رهایی دهند، غبار جهل را از دل‌ها زدوده و آنان را از هرگونه گرداب عاقبت سوز نجات داده و زمینه برای سیراب شدن تشنگان حق و حقیقت فراهم گردد، تا شاهد گرویدن فوج فوج مردم به آیین الهی باشند؛ ﴿و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا﴾<sup>۱</sup>.

### ج. رعایت حساسیت‌های فکری، ذهنی و شخصیتی مخاطب

یکی از مؤلفه‌های مؤثر در موفقیت تبلیغ، رعایت حساسیت‌های فکری و شخصیتی مخاطب است. با توجه به اینکه انسان‌ها در بسیار از توانایی‌ها، امیال و گرایش‌ها مشترک‌اند و در خیلی از امور متفاوت می‌باشند، اگر مبلغان دین بخواهند در برنامه‌ها و اهداف تبلیغی و تربیتی خویش موفقیت بیشتری کسب کنند و افراد بیشتری را تحت تأثیر تبلیغات خویش قرار دهند، باید به تفاوت‌های افراد از نظر فکری و شخصیتی توجه داشته باشند، تا با چالش‌ها روبه‌رو نشوند.

گوینده در مقام سخن باید درجه عقل، نیروی درک، سطح فرهنگ، ظرفیت معنوی، استعداد فکری، قدرت فراگیری، طرز تفکر و خلاصه درجات صلاحیت و شایستگی مستمعین را در نظر داشته و مطالب خود را با رعایت استعداد آنان بیان نماید؛ نه اینکه مراتب علمی خود را معیار قرار دهد و هر چه را که می‌داند بگوید؛<sup>۲</sup> چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تقل ما لا تعلم، بل لا تقل کل ما تعلم». <sup>۳</sup> یعنی در مقام سخن، نه فقط آنچه را که نمی‌دانی مگویی؛ بلکه همه دانسته‌های خود را نیز به زبان نیاور.

برخی از انسان‌ها به مسائل و موضوعات خاصی توجه و حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. مثلاً یک ورزشکار به مسائل مربوط به ورزش توجه بیشتری نشان می‌دهد، یا جوانان در دوره جوانی به عواطف انسانی بیشتر حساس هستند. مبلغان باید مواظب

۱. نصر (۱۱۰) آیه ۲.

۲. ر.ک: محمد تقی فلسفی، سخن و سخنوری، ص ۴۹.

۳. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴.

باشند تا تمایلات فطری در ضمیر جوانان زنده بماند و عشق به جمال معنوی همواره در باطنشان تقویت بشود. آنان باید تلاش کنند که شعله‌های فروزان پاکی و فضیلت به خاموشی نگراید و جوانان از مسیر سجایای انسانی منحرف نگردند؛ چنانچه امام صادق علیه السلام به صفای باطن و «فضیلت دوستی» نسل جوان تصریح فرموده و به ابوجعفر احوال که مبلغ مذهبی و مربی مردم بود، یادآور شده که روح جوان خوبی‌ها را زود می‌پذیرد و به صفات انسانی زودتر متصف می‌شود؛ «علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر»<sup>۱</sup>.

بنابراین، شناخت و رعایت حساسیت‌ها و بهره بردن از آنها برای تبلیغ و کارکرد آن مؤثر است که در سیره ائمه معصومین علیهم السلام فراوان دیده می‌شود.

امام هادی علیه السلام در زمان متوکل عباسی زندگی می‌کرد، شبی به دستور متوکل، دژخیمان متوکل به صورت ناگهانی وارد خانه امام هادی علیه السلام شده و طبق دستور، امام را به قصر خلیفه بردند. هنگامی که امام هادی علیه السلام وارد شد، متوکل مجلس بزم تشکیل داده و مشغول میگساری بود. او دستور داد که امام در کنارش بنشیند. امام نشست و متوکل جام شراب را به امام تعارف کرد، امام امتناع کرد. متوکل گفت: پس شعر بخوان و با غزلیات و اشعار، مجلس ما را رونق ده. امام هادی علیه السلام فرمود: من اهل شعر نیستم، ولی مقداری از اشعار گذشتگان را از حفظ دارم. متوکل گفت: باید بخوانی، امام هادی علیه السلام اشعاری را خواند:

«قله‌های بلند را منزلگاه خود کردند و همواره مردان مسلح، به نگاهبانی از آنها مشغول بودند. اما هیچ یک از این مقدمات، آنان را از گزند مرگ نتوانست حفظ کند، سرانجام از آن قله رفیع و محکم، با خاری و ذلت به گودال قبر فرود آمدند. منادی ندا کرد: کجاست آن زینت‌ها و تاج‌ها و شکوه و جلال‌ها؟ کجاست آن چهره‌های ناز پرورده که همیشه خود را از سر ناز و تکبر، در پس پرده‌های رنگارنگ از مردم پنهان می‌کردند؟ قبر سرانجام، آنها را رسوا ساخت؛ آنان که زمانی زمین و نعمت‌هایش طعمه

۱. مجلسی، بحارالانور، ج ۲۳، ص ۲۳۶.



آنان بود، خود طعمه زمین و حشرات شدند».

هنوز اشعار پایان نیافته بود که خماری شراب از سر متوکل و یارانش پرید و جام شراب را به زمین کوبید و اشک‌هایش جاری شد.<sup>۱</sup>

امام هادی علیه السلام در این صحنه، موضوعی را مورد اشاره قرار دادند که متوکل با تمام وجود نسبت به آن حساس بود؛ چون متوکل حاکم تمام سرزمین‌های اسلامی بود، و از تمام نعمت‌ها برخوردار و ارتشی مجهز داشت که از او حمایت می‌کرد، و او خیال می‌کرد با این همه اقتدار، از هر گونه خطری در امان است، امام هادی علیه السلام به او گوشزد نمود که هیچ یک از این امور، مانع مرگ و نابودی ملک او نمی‌شود و او روزی باید کاسه مرگ را سر بکشد و در محضر خداوند پاسخگو باشد.

نجاشی پادشاه حبشه، خداپرست بود و به حضرت مسیح علیه السلام اعتقاد داشت. مسلمانان در اوایل بعثت به حبشه مهاجرت کردند و جعفر بن ابی طالب علیه السلام سخنگو و مبلغ آنان در حبشه بود. نمایندگان قریش برای دستگیری مسلمانان به حبشه آمده بودند و از نجاشی خواسته بودند که مسلمانان را به آنها تحویل بدهد و در صدد تخریب مسلمانان نزد نجاشی شدند، آنها به نجاشی گفتند: «اینان درباره حضرت عیسی علیه السلام عقیده عجیبی دارند» و از این طریق می‌خواستند نجاشی را وادار کنند تا مسلمانان را تحویل آنها بدهد. نجاشی مسلمانان را احضار کرده و درباره حضرت عیسی علیه السلام از آنان سؤال کرد. اگر مسلمانان پاسخ نجاشی را غیرهوشمندانه می‌دادند، ممکن بود نمایندگان سیاسی قریش به اهداف خود برسند؛ ولی جعفر بن ابی طالب علیه السلام با شناخت موقعیت و حساسیت‌ها، پاسخ می‌دهد: «نقول فيه الذی جاء به نبینا هو عبدالله و رسوله و روحه و کلمة القاها الی مریم العذراء البتول».

این کلمات آن چنان اراده نجاشی را بر حمایت از مسلمانان جزم کرد که کفار قریش برای همیشه از نجاشی مأیوس شدند، نجاشی هدایای قریش را رد کرد و مسلمانان را در محل بهتری اسکان داد و به آنان گفت: «اذهبوا فانتون آمنون ما احب ان

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۹.

لی جبلا من ذهب و اننی آذیت رجلا منکم»<sup>۱</sup> بروید شما در امان هستید، من دوست ندارم در برابر آزار به یک تن از شما، کوهی از طلا داشته باشم.

پس رعایت حساسیت‌های فکری و شخصیتی و اعتقادی مخاطب کاملاً برای موفقیت تبلیغ مؤثر است و عدم توجه و دقت به این مورد، چه بسا مبلغان را به چالش بیندازد و نتواند به اهداف و برنامه‌های تبلیغی خویش برسد.

### د. تلنگر بر فطرت‌های پاک

آنچه که مسلم است، اینکه مبلغان و پیام‌رسانان احکام الهی، باید در جذب مردم، شوری در دل‌های آنان ایجاد نمایند و احساسات و عواطف آنان را تحریک نمایند، تا بدین وسیله، دریای راکد احساسات عمومی را به موج و انقلاب افکنند و مردم را در راستای اهداف خویش برانگیزند. شورانگیزی برای مبلغان، برای رسیدن به اهداف، وسیله بسیار نیرومند و مؤثری می‌باشد. مبلغان بسیاری بوده‌اند که از این طریق به هدف رسیدند و بر دل‌ها سیطره و نفوذ پیدا کردند و کارهای بزرگی انجام داده و گام‌های ارزشمندی برداشته‌اند. به عنوان مثال، مساجد و معابد با شکوه، مولود عواطف برافروخته و احساسات تحریک شده ملت‌هاست.

اگر پیامبران بزرگ الهی همچنان بر دل‌ها سیطره دارند، به خاطر این است که آنان بر اعماق قلوب و کانون شور و حماسه ملت‌ها تکیه داشته‌اند، و اساس قدرت انبیا بیداری فطرت عمومی بوده است؛ چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: تربیت انبیا این بود که فطرت بشر را بیدار کنند؛ یعنی آن زنگارها و غبارها را از فطرت خدا جوی بشر بزدايند و به انسان‌ها یادآور شوند که آنها باید سیر الی الله کنند و پایان راهشان وصال حق است:

«فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه لیستأدوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشيروا لهم دفائن العقول»<sup>۲</sup> پس خداوند پیامبران خود را در بین انسان‌ها، مبعوث فرمود و هر چند گاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها رسولان خود را پی

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱.

در پی اعزام کرد، تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنان تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

به هر حال، در نهاد انسان ریشه‌های شور و عاطفه و پایه‌های مهر و کین و جذب و دفع نهاده شده است. مبلغان دین هر گاه بخواهند جامعه‌ای را به دین دعوت کنند، باید نسبت به آن موضوع با بیان خود، انفعالات روحی را به وجود آوردند و جامعه را از شرارت‌های نفس که خیلی خطرناک است، رهانیده و به سوی ایمان به خداوند حرکت دهند.

البته هر انسان فطرتاً خواهان ایمان و پاکی و تقوا است و از کفر و گناه بیزار است، ولی ممکن است در مراحل بعد، این آب زلال که از آسمان خلقت در وجود انسان‌ها ریخته شده، بر اثر تماس با محیط‌های آلوده، صفای خود را از دست دهد و بوی نفرت‌انگیز گناه و کفر و عصیان گیرد. اینجاست که باید مبلغان و ترویج‌کنندگان دستورات اسلام، مردم را به راه راست هدایت نموده و نگذارند این فطرت‌های پاک با محیط‌های آلوده تماس گرفته و آن صفای خود را از دست بدهند.

اساساً حالات معنوی و روحانی کسی که فطرت پاک دارد و قلبش از نور ایمان روشن و روحش از باران رحمت خداوندی سیراب است، غیر قابل توصیف است؛ مثل شجاعت، فداکاری، صفای دل و خیرخواهی، و خلاصه کلام اینکه تمام سجایای اخلاقی و انسانی که در سایه ایمان به دست می‌آید، وجود دارد. جذب چنین فطرت‌های پاک لازم است؛ چون آینه‌ای از حقیقت، ایمان، کمال انسانی، شرافت و عزت است.

البته جذب چنین فطرت‌هایی کار ساده‌ای نیست؛ بلکه شرایط و ضوابطی می‌خواهد؛ از جمله اینکه برای جذب فطرت‌های پاک، باید خود انسان دارای فطرت پاک باشد؛ یعنی کسی که بخواهد انسان‌ها را از گمراهی نجات بخشد، خود گمراه نباشد؛ چون آن کسی که خود شوری در سر ندارد و سوزی در دل، چگونه می‌تواند شوری در قلب

دیگران ایجاد نماید؟! به قول فلاسفه: کسی که کمالی ندارد، نمی‌تواند به دیگران اعطا کند و «فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد».

بنابراین، یکی از کارکردهای تبلیغ، احیا و جذب فطرت‌های پاک است و جذب فطرت‌های پاک در صورتی امکان دارد که نخست خود مبلغ از فطرت پاک برخوردار باشد. کسانی که مردم را به دین دعوت می‌کنند، باید خود پایبند به دین و آیین الهی باشند. خدای ناخواسته چنین نباشد که خود فاقد کمال باشد؛ که نه تنها اثر مطلوب و مثبت بر جای نمی‌گذارد؛ بلکه به عکس، اثرات مخرب و منفی بر جای خواهد گذاشت؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اشد الناس عذاباً یوم القیامة من وصف عدلاً و عمل بغیره؛ کسی که سخن حق بگوید و خود به غیر آن عمل کند، شدیدترین عذاب را در روز قیامت خواهد داشت.

کسی که مردم را به راه حق دعوت می‌کند، وقتی می‌تواند اعتماد مردم را به خود جلب کند که پشتوانه عملی داشته باشد و تبلیغ بدون پشتوانه عملی تأثیر و کارکرد خود را از دست می‌دهد. بی‌تردید سخن گفتن آسان تر از عمل کردن است.

در تاریخ تبلیغات اسلامی می‌بینیم که بسیاری از روش‌های عملی تجسم بخش روح و تعالیم اسلام در ایمان مردم، طوری مؤثر بوده که نمی‌شود آنها را با هیچ یک از روش‌های بیانی و تبشیری مقایسه نمود.<sup>۲</sup>

خطیب اسلامی اگر تقوا و درستکاری را در همه احوال رعایت کند، مردم به او با دیده تکریم و احترام می‌نگرند و گفته‌هایش را با علاقه‌مندی و رغبت به کار می‌بندند و حتی اگر از جهت فن سخنوری، ضعیف باشد، پاکی و تقوا، این ضعف را جبران می‌کند.<sup>۳</sup>

بنابراین، روشن است که سخن هر چند رسا باشد، آن موقع مؤثر خواهد بود که گوینده خود بدان عامل باشد، و گرنه، الفاظی بیش نخواهد بود، و از دل‌ها می‌لغزد، ولی بر دل نمی‌نشیند؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العالم اذا لم یعمل بعلمه زلت

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲. محسن خندان، تبلیغی اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۳۲۱.

۳. محمدتقی فلسفی، سخن و سخنوری، ص ۳۲۱.

موعظته عن القلوب كما يزل مطر عن الصفا»<sup>۱</sup>.

## هـ حمایت از افراد متعهد

مبلغان اسلام و تربیت کنندگان دینی که ناشر ایدئولوژی اسلام‌اند، باید از انسان‌های پاک و متعهد حمایت کنند و با آنان در ارتباط بوده و به خواسته‌های آنان احترام بگذارند؛ چنانچه خط عملی و راستین و اصیل پیامبران چنین بوده است. پیامبر اکرم ﷺ توجه خاص به انسان‌های پاکدل و پاک‌اندیش و متعهد به دین داشته و در موارد متعددی با کمال صراحت در گفتار و کردار، از انسان‌های شایسته و لایق حمایت می‌نمودند.

مصعب بن عمیر یک انسان لایق و شایسته بود که در سن جوانی، اسلام را با عشق و علاقه اختیار نمود و دل خویش را با نور ایمان منور نمود و در مکتب اسلام توسط مبلغ دلسوز و مربی حقیقی یعنی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ تربیت شد.

پیامبر اکرم ﷺ از میان همه مسلمانان و از بین تمام اصحاب و یاران، مصعب را به نمایندگی برگزید و او را برای انجام مأموریت‌های مهم به مدینه فرستاد، تا اسلام را تبلیغ و به مردم معرفی نماید. با وجودی که جهل و نادانی و تعصب بر محیط آن روز سایه افکنده بود و سالخورده‌گان، حاضر نبودند زیر بار شخصی کم سن و سال بروند و مطیع امر او باشند، ولی پیامبر بزرگوار اسلام از او حمایت می‌کند؛ چون او یک انسان لایق و متعهد بوده و مأموریت خویش را هم به بهترین وجه به انجام می‌رساند.

چنانچه قرآن کریم، شیوه برخورد پیامبران را چنین ترسیم می‌کند: آنجا که اشراف و مستکبران به حضرت نوح ایراد می‌گیرند و او را نکوهش می‌کنند که طرفداران و پیروانش همه از طبقات پایین و ضعیف هستند، آن پیامبر الهی می‌فرماید: من مؤمنان را طرد نمی‌کنم؛ ﴿قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۶.

۲. شعراء (۲۶) آیه ۱۱۴-۱۱۱.

اساساً یک مبلغ اگر بخواهد مردم را در مسیر و اهداف خویش که همان مکتب روح بخش اهل بیت علیهم السلام است هدایت نماید، لازم است روح خود را به ارواح آنان پیوند دهد، با وجود اختلاف در دیدگاه‌ها و تنوع در افکار و مذاق‌ها همه را جذب کرده و برانگیزد و به خصوص افراد با ایمان و متعهد به دین را شناسایی نموده و از آنان حمایت کند، در محافل و مجالس آنان را بستاید و آنان را بزرگ بشمارد، و مردم را از هر گونه مزایای تقوا و پارسایی آنان آگاه سازند.

اثرات حمایت از افراد متعهد و با ایمان، یکی این است که باعث تشویق آنها و پابندی بیشتر آنان به دین می‌شود. همچنین دیگران از آنها الگو گرفته و علاقه بیشتری به آیین تربیتی مکتب توحید و خدا پرستی ایجاد می‌شود.

بنابراین، یکی از کارکردهای تبلیغ، حمایت از انسان‌های پاک و لایق می‌باشد که مبلغ با این کار، در واقع ارائه الگو نموده است که از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی است. «ارائه الگو از ضروری‌ترین برنامه‌های عملی تعلیم و تربیت است، و بدون آن تربیت بسیار دشوار، بلکه غیر ممکن است»<sup>۱</sup>.

خداوند بهترین الگو را برای بشریت معرفی کرده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۲</sup>؛ مسلمانان برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی بود، بر آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

در این آیه رسول گرامی اسلام به عنوان الگوی نیکو به مردم معرفی شده است، البته معرفی الگو در قرآن کریم منحصر به رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه خدای بزرگ پیامبران و اولیای پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز به عنوان الگوی خوب معرفی می‌کند:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾<sup>۳</sup>.

۱. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص ۱۱۹.

۲. احزاب (۳۳) آیه ۲۱.

۳. ممتحنه (۶۰) آیه ۴.

## و. بهره‌گیری از فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب

استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌ها در امر تبلیغ ضروری و لازم است؛ بنابراین، یکی دیگر از کارکردهای تبلیغ برای تأثیر بیشتر تبلیغ، توجه به زمان و مکان مناسب و استفاده درست از فرصت‌ها و موقعیت‌هاست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انسان‌ها همیشه در یک حالت قرار ندارند؛ گاهی خوشحال هستند و گاهی بدحال، گاهی خسته‌اند و گاهی با نشاط، گاهی نسبت به یک چیزی میل دارند و گاهی از آن بیزار و متنفرند؛ «ان للقلوب اقبالا و ادبارا فاذا اقبلت فاحملوها علی النوافل، و اذا ادبرت فاقتصروا بها علی الفرائض»<sup>۱</sup>. این امر درباره تبلیغ احکام و دستورات الهی نیز صادق است؛ چون انسان همیشه آمادگی شنیدن تبلیغ و موعظه را ندارد؛ مثل ماجرای که شخص در شب اول عروسی، به پرسیدن درباره اصول عقاید از همسرش مشغول شد و این کار را آن قدر ادامه داد، تا اینکه عروس به او گفت: «نمی‌دانم شب اول عروسی است یا شب اول قبر؟!»

به قول معروف، هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد؛ چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لا تتکلّمن اذا لم یجد للکلام موقعا»<sup>۲</sup>؛ هرگاه برای گفتن مجال و موقعیتی مناسب نمی‌یابی، هرگز لب به سخن مگشا و سکوت و خاموشی را انتخاب کن.

سعدی شیرازی می‌گوید:

مجال سخن تا نبینی ز پیش      به بیهوده گفتن میر قدر خویش<sup>۳</sup>  
فردوسی نیز می‌گوید:

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش      نگوید سخن تانبیند خموش<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس»<sup>۵</sup>؛ هرکس به شرایط

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲.

۲. محمدعلی انصاری، غررالحکم، ج ۲، ص ۸۰۸.

۳. سعدی، گلستان.

۴. فردوسی، شاهنامه.

۵. محمدحسن حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۶.

روزگار خویش آگاه باشد، مورد هجوم دیگران قرار نمی‌گیرد.

بنابراین، برای رسانیدن پیام الهی، خوب است زمانی را انتخاب نمود که مخاطبان بیشتری حضور داشته باشند، تا سخن حق به گوش افراد بیشتری برسد؛ شاید تعداد زیادتری هدایت شده و به دین اسلام پایبند گردند. همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام برای نشان دادن معجزه الهی به فرعون، روز زینت را که همان عید قبطانیان است انتخاب نمود و به فرعون گفت: وعده ما و شما روز زینت باشد و اینکه هنگام ظهر، همه مردم برای تماشا بیرون بیایند؛ **﴿قال موعداکم یوم الزینة وان یحشرالناس ضحی﴾**.<sup>۱</sup> پس باید مبلّغان دین که هدف سازندگی افراد بشر و تشویق و هدایت آنها به سوی ارزش‌های معنوی را دارند، فرصت‌ها و موقعیت‌ها و شرایط زمانی و مکانی را کاملاً در نظر داشته باشند. مثلاً ماه محرم، ماه مبارک رمضان، اعیاد و ایام شهادت، بهترین فرصت و موقعیت برای تبلیغ احکام الهی است که با بهره بردن از شیوه‌های روان‌شناختی و پندهای عواطف‌انگیز، مخاطبان به حقایق دین متوجه گردند و با رعایت تناسب زمان و مناسبت‌ها، جامعه در مسیر قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته و روح ایمان و پایبندی به دین تقویت شود.

### نتیجه‌گیری

مبلّغان دین، حاملان پیام و رسالت الهی و جانشینان انبیا و اولیای الهی هستند و با الگو گرفتن از نخستین سفیر الهی، جامعه بشری را از مرحله حیوانیت به مرتبه کامل انسانی می‌رسانند.

البته مبلغین، برای به‌دست آوردن توفیقات در امر تبلیغ، باید گام‌های مهم و مؤثری بردارند تا در شکوفایی و بالندگی مردم در زمینه‌های گوناگون مؤثر باشند.

اگر مبلغان بخواهند موفقیت بیشتری را در امر تبلیغ کسب کنند و افراد بیشتری را تحت تأثیر تبلیغات خویش قرار دهند، باید به عواملی توجه داشته باشند که از جمله

۱. طه (۲۰) آیه ۵۹.



آنها، بهره‌گیری از رسانه‌ها، ایجاد زمینه برای تبلیغ، رعایت حساسیت‌های مخاطب، توجه به تفاوت‌های افراد از نظر فکری و شخصیتی، حمایت از انسان‌های پاک و لایق، و ایجاد شور در قلوب مردم می‌باشد. آنها باید با جذب فطرت‌های پاک، دریای راكد احساسات عمومی را به موج و انقلاب افکنند و با استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب، آنان را در راستای اهداف خویش برانگیزند و از طوفان هواهای نفسانی به ساحل سعادت و معنویت برسانند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، دارالفکر، بیروت ۱۳۹۰هـ.
۴. ارفع، سید کاظم، *اخلاق در قرآن*، چاپ اول، فیض کاشانی، ۱۳۷۳.
۵. اسماعیلی یزدی، عباس، *فرهنگ تربیت*، چاپ اول، دلیل ما، قم ۱۳۸۱.
۶. انصاری، محمد علی، *غررالحکم*، صحافی خلیج، [بی‌تا].
۷. حرانی، محمد حسن، *تحف العقول*، مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۷۶.
۸. حویزی، عبد علی، *تفسیر نور الثقلین*، مطبعة العلمیه، قم، [بی‌تا].
۹. خندان، محسن، *تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۴.
۱۰. رهبر، محمدتقی، *پژوهش در تبلیغ*، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۱.
۱۱. زورق، محمد حسن، *مبانی تبلیغ*، چاپ اول، سروش، تهران ۱۳۶۸.
۱۲. سعدی، مصلح الدین، *گلستان*، مطبعة مصباحی، [بی‌جا] ۱۳۷۹هـ.ق.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین، قم [بی‌تا].

۱۴. فردوسی طوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه.
۱۵. فلسفی، محمدتقی، سخن و سخنوری، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۸.
۱۶. \_\_\_\_\_، گفتار فلسفی، بزرگسالان و جوان، چاپ اول، نشر و معارف اسلامی، تهران ۱۳۴۴.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، دفتر نشر و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران [بی تا].
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ هـ.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، دارالحدیث، قم ۱۳۶۸.